



تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

پژوهشی در طراحی

پارچه‌های زربفت قدیم ایران

بخش دوم

پارچه‌باف با احتیاط بر سر کار برگشته و تولیدات خود را احیاء کرده و مبادرت به بافت پارچه‌های نفیس و زیبایی نمودند که خود منبع درآمد برای حکام بنی امیه برای گرفتن مالیات‌های سنگین و سوءاستفاده از آنها و پایمال کردن حق کارگر و هنرمند گردید. زمان خلفای عباسی با آمدن برمکیان، تحولی در امر پارچه‌های زربفت ایجاد شد و تولیدات و کارگاه‌های جدیدی شروع به کار کردند و در شهرهای مختلف ایران هنرمندان و بافندگان و طراحان آنها شروع به کار نمودند.

استفاده از طلا در منسوجات ابریشمی کاربرد طلا و نقره و تاییدن آن به دور نخ ابریشمی از سال‌های بسیار قدیم متداول بوده ولی با پیدایش اعراب مدتی از نظرها پنهان بود تا اینکه زمان سلجوقیان بار دیگر احیاء شد اما در مورد پارچه‌های مخلوط با سیم و زر و به‌طور کلی زری‌بافی و گلدوزی و کاربرد نخ‌های گلابتون و سوزن دوزی و شال‌های زینت شده و پارچه‌های قلمکار که در دوره صفویه به اوج خود رسید باید گفت که نسا جان نمی‌توانستند مفتول‌های ضخیم طلا را در پارچه ظریف به‌کار گیرند و زینت دهند بلکه فقط آنها را در پارچه‌های ضخیم و فرش‌های نفیس به‌کار میبردند و اگر مورخین قدیمی راجع به منسوجات طلائی، مطالبی نوشته‌اند اطلاعات

پارچه‌بافی ایران با آمدن و رفتن سلسله‌ها یکی پس از دیگری و دور کردن هنرمندان و تولیدکنندگان و فراری دادن آنها در کشور در اثر جنگ هر بار زیان‌های زیادی به این صنعت و کارگاه‌های آن که بیشترین سرمایه را نسبت به صنایع دیگر داشتند؛ وارد کرد زیرا هر کارگاه بافندگی زربفت حداقل بایستی یک یا چند کیلو طلا و مقدار متنابهی نیز نقره و عدل‌های زیادی از ابریشم در اختیار می‌داشت که این نوع مصالح بسیار گران‌قیمت و با ارزش بودند و باید سرمایه و کارگران و خانواده‌های خود و کارگران را از هرگونه کشت و کشتار مصون می‌داشتند. آنان در موقع بروز جنگ خود و سرمایه را برداشته و به جاهای امن مهاجرت می‌کردند اما به دلیل تعصبات ملی و میهن‌پرستی، خود را به ایران وابسته می‌دانستند؛ باز مراجعت کرده و به احیای صنعت می‌پرداختند.

در زمان حمله اعراب چون ایران تحت ظلم بنی‌امیه و حکام آنها قرار داشت، صاحبان صنعت خود و سرمایه را پنهان کرده و از کار دست کشیدند ولی چون بنی‌امیه به ظاهرسازی خود و آرایش ظاهری و خودنمایی تکیه داشتند با پوشیدن لباس‌های فاخر ایرانی اعم از حریر و لباس‌های ابریشمی و زربفت و ترمه و امثالهم مبادرت نموده و آهسته آهسته هنرمندان



آنها محدود بوده است.

به هرحال نمی‌توان تاریخ مقتول‌های نرم و نازک طلا و به‌کار بردن آنها در منسوجات ابریشمی به‌درستی یقین کرد. همین قدر می‌دانم که قبل از قرن دهم زیاد معمول نبوده است و همین که توانستند سیم و زر را تبدیل به ورقه‌های نازک نموده آن را به‌دور نخ پیچیدند و در پارچه بافی ظریف مورد استفاده قرار دادند. آنان معمولاً دو کلاف به کار می‌بردند که به یکی ابریشم خالص و دیگری نخ طلا پیچیده بود (ابریشم برای تشکیل زمینه و طلا برای نقش به‌کار می‌رفت).

مطلب فوق، نظریه توفیل (THEOPHI-LO) کشیش معروف که در قرن دوازدهم زندگی می‌کرد. وی کتابی در مورد مینیاتور و زرگری نوشته و ادامه می‌دهد که طلا و نقره را با زحمت بسیار آن قدر می‌کوبیدند تا ورقه‌های نازکی از آن به دست آید و بتوان آنها را به دور نخ پیچیده و برای تزئین منسوجات زری به کار برد.

پارچه‌های مخلوط با سیم و زر

مدارک مستند و کافی از کاربرد طلا و نقره در زمان صفویه فراوان است. در دوره سلطنت صفویه پارچه‌های مخلوط با سیم و زر برای لباس زنان بزرگان و یا برای پرده و پوشش دیوارهای اندرونی‌ها و کاخ‌ها به کار می‌رفت.

پرده زربفت در کاخ عالی قاپو مورد مصرف قرار می‌گرفت و در زمان سلطنت شاه عباس، صنایع مستظرفه در ایران به منتتهای درجه کمال خود رسید و چون شاه عباس به ترقی کشور خود علاقه‌مند بود، پیوسته صنعت‌گران و هنرمندان را تشویق می‌کرد و به همین جهت صنعت

و هنر در ایران پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرد و هنرمندان و صنعتگران احترامی یافتند. شاردن - سیاح معروف - که آن زمان در ایران اقامت داشته در این باره چنین می‌نویسد «نظر به اینکه ایرانیان در تربیت کرم ابریشم تخصص دارند و محصول ابریشم در این کشور فراوان است؛ صنعتگران انواع چرخ‌های مخصوص و دوک‌هایی برای باز کردن ابریشم از پيله و کلاف کردن آن اختراع کرده‌اند.

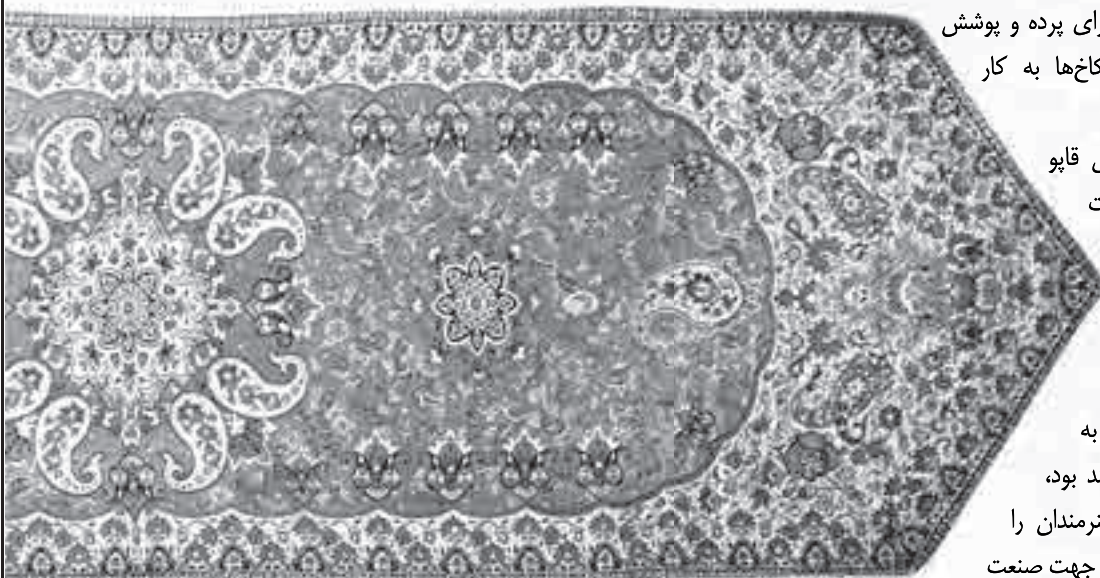
نساجان، ابریشم را با سیم و زر مخلوط کرده منسوجات نفیسی می‌بافتند که آنها را «زری» می‌نامند. این پارچه‌ها با نقشه‌های گوناگون بافته می‌شود به طوری که می‌توان از آنها صد قسم مختلف پارچه به دست آورد. پاره‌ای از آنها یک رو و پاره‌ای دو رو هستند (یعنی پشت و روی آنها یکسان است) یک نوع پارچه نفیسی به نام «مخمل زربفت» نیز وجود دارد که در نوع خود منحصر به فرد است.

پارچه‌هایی که در تزئین آنها طلا به کار می‌رود بسیار گران‌بها هستند و اکنون یک گز آن به مبلغ ۵۰ تومان به فروش می‌رسد (قابل ذکر است که یک تومان آن زمان، مخارج یک‌سال یک خانواده یازده نفری بوده است) خلاصه آن که در تمام دنیا، پارچه‌های نفیسی‌تر و گران‌بها تر

از این پارچه‌های زربفت ایرانی پیدا نمی‌شود...»
نقشه بافت زربفت

در قدیم به وسیله دست، تمام حرکات بافت پارچه انجام‌پذیر بود. برای بافت این نوع پارچه، دوسری نخ تار روی دستگاه موجود بوده که به صورت یکی در میان یک دسته نخ تار برای زمینه پارچه و یک دسته نخ تار که کنترل آن به وسیله دست بالا و پایین می‌رفته برای تولید نقشه به صورت گوشواره‌بندی انجام‌پذیر بود. نقشه زمینه پارچه از طرح‌های (تافته، سرژه و ساتن) بستگی به نوع تولید استفاده می‌شد و بعضی اوقات از نقشه‌های مرکب و گاهی از نقشه سرژه‌های جناقی (لوزی‌ها) در بافت این پارچه با بعضی تغییرات و عوض کردن جای تارهای نقشه‌های جدید استفاده می‌شد. به طور کلی سه نوع زربفت از نظر طراحی تولید

نساجان، ابریشم را با سیم و زر مخلوط کرده منسوجات نفیسی می‌بافتند که آنها را «زری» می‌نامند. این پارچه‌ها با نقشه‌های گوناگون بافته می‌شود به طوری که می‌توان از آنها صد قسم مختلف پارچه به دست آورد.



می‌شد ۱- زربفت ساده یا یک رو ۲- زربفت مرکب یا دو رو و یا زربفت لوزی شکل یا جناقی که اولی و سومی راحت‌تر و دومی بسیار مشکل بود و نیازمند کارگران بسیار ماهر و نقشه‌خوان بسیار متبحر بود. برای نوع دوم باید نقشه اساس زمینه را سبک و سنگین در کنار هم به صورت یک در میان استفاده نمود ولی پود پارچه را یکی برای روی پارچه با نقشه روی پارچه و پود دوم را برای پشت پارچه

بیشتر پارچه‌های زری نفیس و خوش‌نما در شهرهای یزد و اصفهان و کاشان بافته می‌شدند که متأسفانه بسیاری از این پارچه‌های زربفت که تا امروز هم درخشندگی و جلوه خود را حفظ کرده‌اند؛ در محل تا شدن ترکیده‌اند زیرا این پارچه‌ها، سال‌های طولانی تا شده و در صندوق‌ها می‌مانند و در جاهائی که تا شده‌اند؛ می‌ترکند.

با نقشه پشت پارچه عکس یکدیگر استفاده نمود. پارچه حاصله دو رو با هم هیچ‌گونه تفاوتی نداشته باشد به طوری که هر بیننده‌ای نتواند پشت و روی آن را تغییر دهد.

نخ‌های تار مربوط به گل و بوته یا منظره و یا صورت حیوان یا انسان که باید در سطح پارچه نمایان گردد؛ به وسیله دسته‌بندی و تنظیم کاربرد به موقع آنها گوشواره کشی (گوشواربندی) شده و بالای ماشین توسط یک نفر و یا چند نفر کارگر بسته به نوع طرح که تعداد گوشواره‌ها زیاد یا کم باشد کارگران اضافه می‌شدند و به موقع دست‌های خود را برای ایجاد دهنه و بالا بردن نخ تار مخصوص طرح شکل، بلند می‌کردند. در این میان کارگر نقشه‌خوان باید از همه ماهرتر باشد و شعر بافت پارچه را بیت به بیت بخواند و مواظب باشد تا اشتباهی رخ ندهد.

کارگر سوم یا شخص بافنده که پشت دستگاه قرار دارد باید به موقع ماکو و رنگ پود مخصوص از گلابتون را در داخل دهنه‌ای که ایجاد شده قرار دهد و پس از عبور ماکو از یک طرف به طرف دیگر عمل نخستین زدن را انجام دهد. هر کدام از

عملیات که سلسله مراتب بافت است باید به جای خود انجام شود که در غیر این صورت پارچه ناقص بافته می‌شود (برای این منظور همیشه از کارگران خبره و کار آزموده دارای چندین سال سابقه در امر بافت، استفاده می‌شد.

در یک دستگاه نساجی، پنج یا شش نفر کارگر مشغول کار هستند که به گفته شاردن کارگرانی که این نوع پارچه‌های ممتاز را می‌بافتند هر یک روزانه

۱۵ تا ۱۶ شاهی اجرت می‌گیرند و مقدار بسیار کمی پارچه می‌بافتند (معمولاً بین ۱۱ تا ۱۳

سانتیمتر) این پارچه‌های گرانبها را ثروتمندان برای پرده بکار می‌بردند و نوع مخمل زربفت از تمام اقسام پارچه‌های زری، زیباتر و خوش‌نما تر بود؛ به خصوص مخمل‌هایی که کرک‌های برجسته و مجعد دارند. نکته قابل ملاحظه این است که پارچه‌ها به واسطه کثرت استعمال و مرور زمان، به کلی کهنه و فرسوده می‌شوند اما طلا و نقره موجود در

آن همان درخشندگی و جلوه اولیه خود را حفظ می‌کنند.

بیشتر این پارچه‌های زری نفیس و خوش‌نما در شهرهای یزد و اصفهان و کاشان بافته می‌شدند که متأسفانه بسیاری از این پارچه‌های زربفت که تا امروز هم درخشندگی و جلوه خود را حفظ کرده‌اند؛ در محل تا شدن ترکیده‌اند زیرا این پارچه‌ها، سال‌های طولانی تا شده و در صندوق‌ها می‌مانند و در جاهائی که تا شده‌اند؛ می‌ترکند.

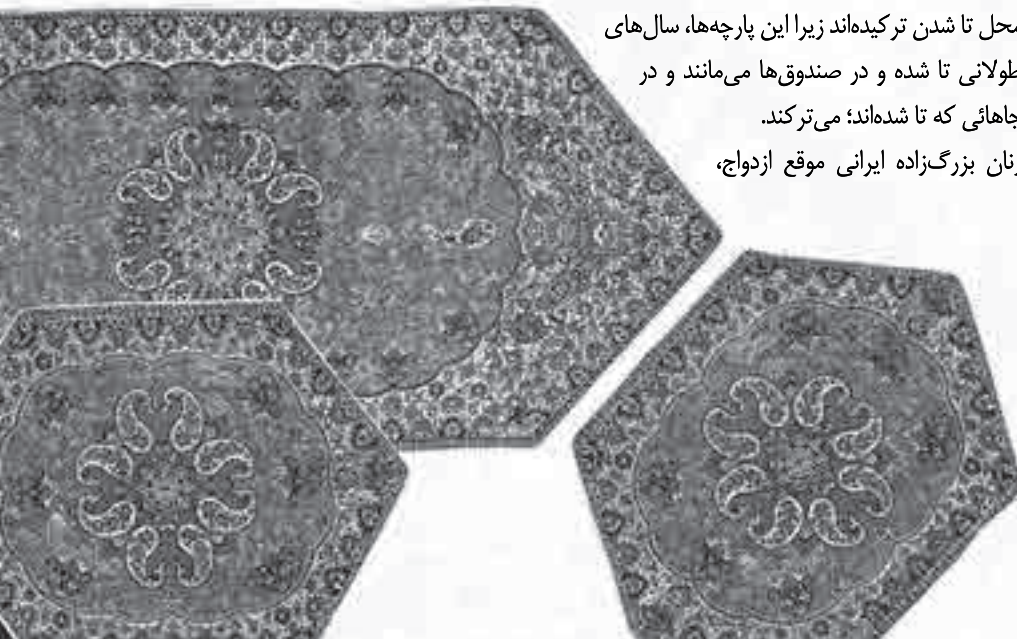
زنان بزرگ‌زاده ایرانی موقع ازدواج،

مالک مقداری از این پارچه‌ها می‌شدند و پس از برگزاری مراسم عروسی آنها را تا کرده و در صندوق محفوظ نگاه می‌داشتند. این پارچه‌ها فقط در جشن‌های بزرگ و مجلل دیده می‌شدند یعنی در این مواقع بود که از صندوق‌ها بیرون می‌آمدند و دیوارها و طاقچه‌های منازل را زینت می‌دادند و به شکوه و ابهت جشن می‌افزودند و پس از آن که چند روزی چشمان ناظرین را از زیبایی و درخشندگی خود خیره می‌کردند؛ دوباره در صندوق پنهان می‌شدند.

نقش‌های این پارچه‌های مختلف چندان تفاوتی با هم ندارند. پارچه‌های قرن هجدهم دارای شکل‌های لوزی هستند که در میان آنها دسته‌گلی قرار دارد. زمینه پارچه‌های این قرن درخشندگی بیشتری دارند و طلا و نقره زیادتری در آن به کاررفته است (سفرنامه خراسان تا بختیاری- هانری رنه)

کارگاه‌های بافندگی زری هنرهای زیبای کشور

از انواع پارچه‌های زربفت می‌توان به «مشجرسازی»، «زری اطلسی»، «زری پشت کلاف»، «زری ختائی»، «مخمل زری» و «زری‌های برجسته» اشاره کرد که قسمت عمده آنها در دربار صفویه و بعد از آن در کلیه سلسله‌های





بعدی رواج داشت و درباریان، امراء و مردان و زنان بزرگان و طبقات مختلف از آن استفاده می‌کردند. این نوع زربفت‌های بسیار ممتاز و گرانبها و فوق‌العاده زیبا، زینت بخش اشرافیان بود و اهمیت عمده این نوع زربفت‌ها بیشتر به مناسبت طرح و رنگ‌های با ثباتی بود که روی ابریشم توسط استادکاران بسیار زبردست رنگرز به خوبی رنگ می‌شد و در حال حاضر نیز پس از طی سالیان دراز و متمادی هنوز ثابت مانده و رنگ رفتگی در آنها دیده نمی‌شود. دستگاه‌های فعلی زری‌بافی در کارگاه بافندگی هنرهای زیبای کشور و طرز کار آنها ساختمان دستگاه‌های زری‌بافی معمولاً مرکب از افزارها و آلات چوبی است که به سبک چوبی قدیمی بسیار ساده و معمولی است. روی هر دستگاه دو نفر کار می‌کنند که یکی بافنده و در پایین دستگاه و حکم استادی دارد و دیگری شاگرد اوست که (گوشواره کشی) نامیده می‌شود و در بالای دستگاه قرار گرفته و نخ‌های تار طرح شکل‌دار را بالا و پایین می‌برد (کار شاگرد در بالای دستگاه عبارت از بالا و پایین آوردن نقشه‌ای است که قبلاً روی نقشه‌بندی برای نخ شده است و هدایت آن به سوی بافنده است). استاد بافنده در پایین نیز پس از بالا آمدن نقشه به وسیله ابریشم‌های الوان و نخ و طلا و نقره (گلابتون) که روی ماسوره ماکو پیچیده شده، به داخل دهانه کار می‌فرستد و عمل شانه زدن بافت را ممکن می‌سازد.

مواد اولیه زربفت بافی عبارت است ابریشم طبیعی ساده یا رنگ‌آمیزی شده و نخ گلابتون که رنگ آنها نیز به شیوه قدیم با نباتات رنگرزی و دندانه شده و ثابت می‌کردند؛ به طوری که می‌گویند در هنرستان زری بافی و مخمل‌بافی حدود ۳۰ هنرمند که اغلب از استادان و هنرمندان قدیمی این فن به شمار می‌روند؛ مشغول فعالیت هستند.

سال‌ها پیش از تأسیس موزه هنرهای تزئینی در خیابان امیرکبیر فعلی (چراغ گاز سابق)

طبق نوشته مجله هنر و مردم، پایه و اساس موزه هنرهای تزئینی از مجموعه اشیاء ظریفه شادروان عبدالله رحیمی که در مدت ۴۰ سال با صرف عمر و هزینه و تلاش بسیار آنها را در ایران و آمریکا گردآوری نمود؛ تشکیل شده است.

چندین سالن بزرگ و ده‌ها ویتترین در این موزه وجود دارد که آثار تاریخی گوناگونی در هریک از این سالن‌ها موجود می‌باشد؛ از آن جمله تالار شماره یک که مدخل ورودی موزه می‌باشد؛ فرمان‌های مختلفی از زنان صفویه و قاجاریه و تعدادی عقدنامه که همگی تذهیب و طلاکاری شده‌اند؛ وجود دارد. در یکی از ویتترین‌های کناری، سه قطعه سلسله‌دوزی زیبای کرمانی قرار دارد و در ویتترین مقابل آن، دو قطعه قلاب‌دوزی و تکه دوزی و یک قطعه گلابتون‌دوزی بسیار ظریف مشاهده می‌گردد. دیوارهای این تالار شامل انواع قلاب‌دوزی و

مواد اولیه زربفت بافی عبارت است ابریشم طبیعی ساده یا رنگ‌آمیزی شده و نخ گلابتون که رنگ آنها نیز به شیوه قدیم با نباتات رنگرزی و دندانه شده و ثابت می‌کردند؛ به طوری که می‌گویند در هنرستان زری بافی و مخمل‌بافی حدود ۳۰ هنرمند که اغلب از استادان و هنرمندان قدیمی این فن به شمار می‌روند؛ مشغول فعالیت هستند.

پولک‌دوزی است.

در تالار شماره دو، قسمت عمده آن را زری‌های مختلف تشکیل می‌دهد که این زری‌ها متعلق به دوره صفویه تا قاجار است. ویتترین‌های کناری آن شامل قطعات متنوع زری و انواع خورجین و چنته و هم‌چنین کمربندهای زری و آئینه‌دوزی و ریشه‌های زربفت می‌باشد و در ویتترین وسطی یک پرده ترکمنی و یک فرش بسیار عالی و ظریف قرار دارد.